

عبدالسمیع یزدی و منظومۀ نحوی «العروۃ الوثقی»

مجتبیٰ عمرانی پور^۱

دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

دکتر غلامعباس رضایی هفتادر

دانشیار دانشگاه تهران

(۱۴۷ - ۱۷۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

چکیده

عبدالسمیع بن محمدعلی یزدی از عالمان، فقیهان و شاعران قرن سیزدهم قمری است که همانند شمار کثیری از ایرانیان خدمات ارزنده‌ای به زبان و ادبیات عربی ارائه نموده است. تاکنون جز در چند کتاب تراجم، نامی از این شخصیت بزرگ ایرانی برده نشده و در گذر زمان رنگ فراموشی به خود گرفته است. بیشتر آثار وی به زبان عربی و در موضوع نحو عربی است. یکی از مهمترین نوشته‌های وی منظومۀ نحوی «العروۃ الوثقی» است که در یکصد و ده بیت سروده شده است. گرچه این منظومه ناشناخته مانده است اما سه شرح از آن در میان نسخه‌های خطی موجود است که نشان از اهمیت آن در زمان خود دارد. این نوشته به معرفی این دانشمند ایرانی و منظومۀ نحوی وی و تصحیح آن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: عبدالسمیع یزدی، نحو عربی، منظومۀ نحوی «العروۃ الوثقی».

۱. پست الکترونیک نویسندهٔ مسؤول: emranipour@gmail.com

مقدمه

ارزش معرفی و تصحیح متون کهن و میراث قدیمی بر هیچ کس پوشیده نیست، چه این کار غبار زمانه از این میراث زدوده و جانی تازه در کالبد آن می‌دمد. چه بسیار میراث ارزشمند و گرانبهایی که در غبار قفسه‌ها چشم به راه‌اند تا دست نوازشی بر سرشان کشیده و زنگار فراموشی از چهره‌هاشان زدوده گردد، امید که این چشم‌انتظاری به پایان آید و این سرمایه‌های فرهنگی به دوستان دانش و فرهنگ معرفی گردد.

موضوع این مقاله معرفی عالمی ایرانی و تصحیح یکی از کارهای ارزشمند او در نحو عربی است. این شخصیت بزرگ عبدالسمیع یزدی است که تاکنون جز در چند کتاب تراجم، نامی از وی برده نشده و در گذر زمان رنگ فراموشی به خود گرفته است. اثر معرفی شده وی در این مقاله، منظومه نحوی «العروة الوثقی» است. تا آنجا که اطلاع داریم، تاکنون تصحیح و چاپ نشده است.

این نوشته در دو بخش تدوین شده است: نخست به معرفی ناظم منظومه، یعنی عبدالسمیع یزدی و آثار او می‌پردازد و سپس متن تصحیح شده منظومه ارائه می‌گردد. امید که این سطور توانسته باشد خدمتی در راه علم و معرفی عالمان ایران باشد.

عبدالسمیع یزدی

عبدالسمیع بن محمدعلی بن احمد بن محمد بن سمیع یزدی از فقیهان و عالمان بزرگ قرن سیزدهم هجری است. در مورد تاریخ ولادت، رویدادهای زندگی و وفات وی کتب تراجم سکوت اختیار کرده و به ذکر قرن و سده بسنده کرده‌اند. ما نیز گزیری جز ذکر تألیفاتش نداریم لیکن همین نیز به نیکی مرتبت علمی وی را باز می‌نماید.

در مورد نام وی نیز اجماع کلی وجود ندارد، چرا که گاه وی را محمدسمیع و گاه عبدالسمیع نامیده‌اند. (الطهرانی، ۱۴۰۴، صص ۶۱۳ و ۷۳۵) شاید منشأ اصلی این اختلاف خود عبدالسمیع باشد که در نگاشته‌های خود، گاه نام عبدالسمیع و گاه نام محمدسمیع را برای معرفی خود برمی‌گزیند. اما بیشتر به عبدالسمیع مشهور است. به هر روی آن چه روشن است، آن است که وی دیار خویش را به قصد دانش‌اندوزی یا به انگیزه‌ای

دیگر ترک گفته و رهسپار مشهد الحسین (ع) می‌شود و از آن پس به حائری مشهور می‌گردد. در کربلا علوم دینی را در محضر بزرگان زمانه می‌آموزد. و پس از آن به تدریس علوم دینی و علوم عربی همت می‌گمارد.

استادان:

عبدالسمیع یزدی از محضر عالمان و فقیهان بزرگ اسلام بهره جسته است که از آن میان می‌توان به بزرگان زیر اشاره کرد:

الف- محمدعلی بن أحمد یزدی

پدر عبدالسمیع مردی با بهره از معرفت و دانش بوده و این نکته را می‌توان در ضمن کتاب «غایة المسؤل و نهاية المأمول» به روشنی دریافت. عبدالسمیع در کنار نحویان بزرگ از پدر خویش نیز نام برده و آراء نحوی وی را یاد می‌کند. برای نمونه در باب تعریف المبتدأ و الخبر می‌نویسد: «و الحقّ المعتمد أن یقال: إنّ المدار فی صحة وقوع الاسم مبتدأ و عدمها حصول الفائدة كما علیه بعض المحققین و ابن دهان و نجم الأئمة و عمی العلامة و والدي الماجد طاب ثراه...» (الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۵۹)

ب- محمدحسین بن احمد بن محمد یزدی حائری

وی عمو و استاد عبدالسمیع بوده است. عبدالسمیع در کتاب "غایة المسؤل و نهاية المأمول" از وی یاد کرده، می‌نویسد: «هو الحاج ملا محمدحسین الیزدی کان عالمًا فاضلاً مستبحراً عالمًا أديباً عديم النظر في زمانه في المقدمات خصوصاً في النحو و المعاني و البيان و اللغة بحيث لم يُسأل عن لغةٍ إلاّ أجاب و يجمع معانيه أحسن ما جمعه أهل اللغة و كان مصنفاً كثيرةً منها مجموعة البيان في النحو يشمل على مجلدين كل مجلد عشرون ألف بيت». (همان، برگ ۴۴) از وی کتاب «تحفة الولي» در ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به جای مانده است که آن را در سال ۱۲۲۷ق در شهر مشهد و به دستور والی آنجا، محمد ولی میرزا، نوشته است. (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۵۲) حاشیه‌ای نیز بر کتاب «قوانین الأصول» نوشته میرزا أبوالقاسم بن حسن قمی نگاشته که به «حواشی الأصول» موسوم است. عبدالسمیع یزدی در سال ۱۲۵۱ق این کتاب را تدوین کرده و

به خط خود نوشته است. (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۶، ص ۱۷۶) وی در آغاز «حواشی القوانين»، استاد خود را چنین معرفی می‌کند: «العالم الفاضل، الكامل النابل، فخر المحققین، و زبدة المدققین، رأس العلماء، و رئیس الفقهاء، زین الإسلام، و رکن الملة و الإیمان و عضد الأعلام، الوحيد الفريد...» که همگی دلالت بر مرتبه والای علمی استادش دارد. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۸)

ج- سید ابراهیم بن محمد باقر موسوی قزوینی (۱۲۶۳-۱۲۱۴ هـ ق)

وی ریاست تدریس اصول را در کربلا بر عهده داشت. از قزوینی کتابی در اصول فقه به نام «ضوابط الأصول» به یادگار مانده است که خود آن را خلاصه کرده و «نتایج الأفكار» نام نهاده است. عبدالسمیع یزدی در اواخر صفر سال ۱۲۵۸ ق در بندر بمبئی کتاب «نتایج الأفكار» استادش را به طبع رسانید. (همان، ص ۷۳۵) همچنین وی نسخه‌ای از رساله عملی استاد خود را در تاریخ ۲۳ رمضان سال ۱۲۴۵ ق با متن اصلی آن تطبیق داد که در پایان آن خود را عبدالسمیع رازی معرفی می‌کند. (الحسینی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۲)

د- ملا علی اکبر یزدی

عبدالسمیع - چنان که خواهد آمد- در کتاب «نیل المرام» از وی نام برده است.

ه- فاضل اردکانی (م ۱۳۰۲ ق) (کاظمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۸۸)

ز- صدرالممالک میرزا محمد بن میرزا جعفر یزدی

عبدالسمیع در کتاب «نیل المرام» از وی به عنوان شیخ خود در عربی یاد کرده است. (الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۶۱)

و- محمدحسین بن محمد اسماعیل یزدی حائری. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳)

شعر عبدالسمیع:

عبدالسمیع علاوه بر مرتبه بالای علمی و دینی، شاعری خوش قریحه نیز بوده است. از اشعارش سه قصیده در مدح استادش، سید ابراهیم قزوینی، و کتاب وی «نتایج الأفكار» برجای مانده است که ارادت خاص وی نسبت به استادش و همچنین طبع والای

شاعری وی را نشان می‌دهد. در اشعارش زبانی ساده و به دور از تکلف دارد. (الحسینی، ۱۴۱۴، صص ۲۹۳ و ۲۹۴)

کتابت نسخه‌ها:

عبدالسمیع از خطی خوش بهره داشت و بسیاری از کتب مهم را استنساخ کرده است که از آن جمله است:

(الف) حاشیه سلطان بر المعالم: که در سال ۱۲۲۴ ق در کربلا نوشته است. به نظر می‌رسد این کار در اوایل اشتغالش در کربلا بوده است. (الطهرانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳)

(ب) المکاسب: در اوایل جمادی الأولى سال ۱۲۵۲ ق آن را نوشته و در آخر آن آورده است: «تمّ کتاب المکاسب و يتلوه کتاب الرهن، نظام‌الدین الحاج محمدسمیع بن الحاج محمدعلی بن أحمد بن محمد بن سمیع الیزدی». مرحوم آقا بزرگ تهرانی این کتاب را از استنساخ‌های عبدالسمیع برشمرده است، اما به نظر می‌رسد که از تألیفات وی بوده است. (همانجا)

(ج) رموز السیاحة نجفقلی بن حسینعلی میرزا: به تاریخ جمعه ۱۴ ذی القعدة سال ۱۲۵۶ ق در کاظمین به خط نستعلیق نوشته شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ایران موجود است. (انوار، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۸۱)

(د) نتایج الأفكار سید ابراهیم قزوینی: از این کتاب نسخه‌هایی به خط عبدالسمیع یزدی در کتابخانه‌های ایران موجود است که در تاریخ‌های متفاوت کتابت شده است. (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۵۹). آخرین نسخه در سال ۱۲۵۸ هـ استنساخ شده است شاید همان نسخه‌ای باشد که در بمبئی در اواخر صفر ۱۲۵۸ هـ به طبع رسانید و نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم حسنی و نسخه‌ای در کتابخانه طبسی قم موجود است. (حافظیان و صدراپی، ۱۳۸۲، ص ۴۶۰)

تألیفات:

عبدالسمیع یزدی تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و صرف و نحو دارد که بیشتر آنها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها موجود است. از آن جمله است:

۱. **أرجوزه در أصول فقه** - که بیت اول آن چنین است:

«الحمد لله الحميد الباري و معجز الظنون و الأفكار».

(الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۴۵۹. و ج ۲۳، ص ۸۳)

۲. **سفينة الأحكام** - کتابی است در چندین مجلد در فقه، که مجلد "المکاسب" آن

به خط خود مؤلف در کتابخانه صدر اصفهان موجود است و در پایان آن نوشته شده است که در اواخر جمادی الأولى سال ۱۲۵۲ق به پایان برده است. و سپس خود را چنین معرفی می‌کند: «نظام‌الدین الحاج محمدسمیع بن الحاج محمدعلی بن أحمد

بن محمد بن سمیع الیزدی». (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۲، ص ۱۹۳)

مرحوم آقابزرگ تهرانی «المکاسب» را از جمله مستنسخات وی برشمرده است.

(الطهراني، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳) اما با توجه به مطالب ذکر شده در دو کتاب «الذریعة» و «الکرام

البررة» و مشترک بودن اواخر نسخه‌ها و تاریخ کتابت آن‌ها مشخص می‌شود که از تألیفات وی و بخشی از کتاب «سفينة الأحكام» بوده است.

۳. **مناهج الأسرار فی شرح نتائج الأفكار** - شرحی است استدلالی بر «نتایج

الأفکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی، در دو مجلد بزرگ که هر جلد آن شامل چهار

جزء است. تألیف کتاب قریب هفت سال طول کشیده است. و آن را در ربیع الثانی سال

۱۲۵۴ق در کربلا شروع کرده است و جزء دوم آن در سال ۱۲۵۵ق نوشته شده است و

در تاریخ دوم ربیع الأول سال ۱۲۶۰ق کل کتاب به اتمام رسیده است. (الطهراني، ۱۳۵۵،

ج ۱۴، صص ۳۲ و ۳۳ و نیز بنگرید: کاظمینی، ۱۳۸۲، ص ۹۸۸) سه نسخه از جزءهای مختلف آن

در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به شماره ۷-۵۲۳۵ موجود است. (حسینی، ۱۳۷۴،

ج ۱۴، صص ۳۲ و ۳۳)

۴. **غایة المسؤل و نهاية المأمول** - کتابی است در نحو که به تاریخ ۲۰ رمضان

سال ۱۲۵۲ق در کربلا نوشته است. این کتاب حاوی یک مقدمه در تعریف علم نحو و

موضوع آن و بیست و یک اصل در مباحث مختلف نحوی به انضمام مطالب دیگر از

قبیل خواص حمل و انواع آن است. در اول کتاب پس از حمد و ثنای الهی خود را

چنین معرفی می‌کند: «فیقولُ الغریقُ فی بحار الطغیان، الحریقُ بنار العصیان، نظام‌الدین عبدالسمیع بن محمدعلی بن أحمد الیزدی...». در این کتاب علاوه بر نحو مباحثی نیز از معانی و بیان مطرح شده است. نویسنده در این باره می‌گوید: «شرعتُ فی تحقیقها... مشیراً لتشیید هذا البیان إلى بعض دقائق علم المعانی و البیان» (الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۱). نسخه‌های موجود این کتاب عبارتند از:

أ) نسخه‌ای به خط مؤلف در کتابخانه شخصی سید هبه‌الدین شهرستانی در کاظمین.
ب) نسخه‌ای به خط محمدنبی بن گل محمد استرآبادی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۸۱۹۱ م. که به سال ۱۲۶۳ ق به خط نستعلیق شکسته نوشته شده است.
ج) نسخه‌ای در کتابخانه ملی ایران ضمن مجموعه شماره ۱۱۰۶ ف.
د) نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۹۱۲. که به خط خود مؤلف است و مهر وی نیز در اول آن نمایان است که نام «محمدسمیع» بر آن حک گردیده است. (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱۶، ص ۲۲؛ انوار، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۲۸؛ دانش پژوه، ۱۳۳۹، ج ۱۲، ص ۲۹۵)
۵. القصيدة النحویة - لامیه‌ای است در بحر رجز در علم نحو که در کتاب «غایة المسؤل و نهاية المأمول» در باب المنصرف و غیر المنصرف بدان اشاره کرده است و ابیات زیر را از آن آورده است: «و قد نظمُها فی قصیدتی النحویة حیث قلتُ:

«لَمْ یَنْصَرِفْ مَا كَانَ مِنْ تَسْعِ الْعِلَلِ ثَبَّتِنِ أَوْ مَا كَانَتْ تَبْنِ تَحْمَلَا
الفِ وَ نُونِ زَائِدَتَيْنِ وَ عُجْمَةَ جَمْعِ وَ تَرْكِيبِ وَ تَأْنِیْثِ عَلٰی
قَسْمِیهِ عَدَلِ وَ زَنِ فَعْلٍ مَعْرِفَةَ صِفَةِ فَمِنْ كَسْرِ وَ تَنْوِينِ خَلَا»
(الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۷)

۶. شرح القصيدة النحویة - شرحی است بر قصیده فوق الذکر که در کتاب «غایة

المسؤل» در باب اعراب فعل مضارع به آن اشاره شده است. (همان، برگ ۱۱)

۷. شرح ألفیه - شرح نسبتاً مفصلاً است بر ألفیه ابن مالک، با در نظر گرفتن

مطالب سیوطی در کتاب «البهجة المرضیة» که در تاریخ ۲۲ رمضان سال ۱۲۵۵ ق به پایان رسیده است. شارح یک یا چند بیت از اشعار ابن مالک را آورده و مقصود ناظم و

سیوطی را بیان می‌کند، پس از آن اشکالات بر آن دو را می‌آورد و از مجموع سخنان نتیجه‌گیری می‌کند. در پایان کتاب بیان می‌دارد که شرح را به دستور یکی از برادران خود نوشته است و هر روز دو جزء کتاب را بدون داشتن کتابی می‌نوشته است. نسخه - ای از این شرح به خط خود مؤلف در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی به شماره ۹۸۲۴ موجود است. (حسینی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۵۱)

۸. **الفريدة في شواهد المغني** - این کتاب شرح شواهد "مغنی" است و در ربیع الأول سال ۱۲۴۵ ق نگاشته شده است. بیشتر مطالب آن منقول و مأخوذ از شرح سیوطی بر شواهد "مغنی اللیب" است. دو نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیه‌الله طباطبایی شیراز موجود است. (عرفانیان، ۱۳۷۰، ص ۲۶۳ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۸۲۳ و ج ۷، ص ۱۰۱۴ و حافظیان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۲)

۹. **كشف المکنون در اصول فقه** - این کتاب شرحی است به صورت قال أقول بر کتاب "تهذیب الوصول إلى علم الأصول" علامه حسن بن یوسف حلّی. و نسخه خطی آن در کتابخانه سپهسالار موجود است. (دانش پژوه و منزوی، بی تا، ج ۵، ص ۴۳۵ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۶۶)

۱۰. **نظامیه** - رساله‌ای است بسیار مختصر در اخلاق، و به زبان عربی نگاشته شده است. در کتابخانه سپهسالار تهران نسخه خطی آن موجود است. (دانش پژوه و منزوی، بی تا، ج ۵، ص ۷۱۸ و درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۷۲۸). عبدالسمیع در سه کتاب اخیر، خود را نظام‌الدین محمدسمیع بن محمدعلی یزدی معرفی کرده است.

۱۱. **منظومه العروة الوثقی؛**

۱۲. **شرح العروة الوثقی؛**

۱۳. **نیل المرام و درّ النظام؛**

درباره سه کتاب اخیر جداگانه سخن به میان خواهد آمد.

۱۴. **الدرّ النظیم** - در کتاب "نیل المرام" از قصیده‌ای در نحو به نام «الدرّ النظیم»

یاد شده است. (الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۲۸)

۱۵. کشف المکنون - کتاب شرحی است بر منظومہ نحوی «الدرّ النظیم». (همانجا)
۱۶. الهدایا - کتابی است در نحو که در کتاب "نیل المرام" از آن یاد شده است. (همان، برگ ۱۱۵)
۱۷. رسائلی در نحو - در کتاب «نیل المرام» به چند رساله در نحو از مؤلف ارجاع داده شده است. (همان، برگ ۳۱، ۳۵، ۱۲۷)

منظومہ العروۃ الوثقی

نقش شعر و نظم در آموزش و تسهیل آن، امری بدیہی و آشکار است و منظومہ سرایی در علوم مختلف از جمله نحو عربی قدمتی دیرین دارد. نحویان خوش قریحه برای سہولت یادگیری قواعد نحوی به سرودن منظومہ‌های نحوی پرداخته‌اند. نمونہ بارز آن «ألفیة ابن مالک» است که با شہرتی بی‌بدیل تمامی منظومہ‌های نحوی را به سایہ خود برده است.

العروۃ الوثقی ارجوزہ‌ای است در علم نحو. ناظم این منظومہ را در یک مقدمہ و ہفت باب و در یکصد و دہ بیت بہ رشتہ نظم کشیدہ و آن را بہ سید مرتضی بن عزیز اللہ الموسوی الجزائری تقدیم کردہ است. شمار ابیات این منظومہ - چنانکہ خود ناظم گفته است - مطابق نام امام علی (ع) است. وی در شرح منظوم منظومہ، در سبب سرودن این منظومہ گفته است:

«نَظَّمْتُهُ لِقُرَّةِ الْعَيْنَيْنِ	وَ مونسِ الْوَحْدَةِ فِي الدَّارَيْنِ
وَ مَنْ يُغِيثُنِي اسْمُهُ عِنْدَ الْفِتَنِ	وَ شِدَّةِ الْحَزَنِ إِذَا هَاجَ الْمِخْنِ
وَ قَدْ جَعَلْتُهُ هَدِيَّةً إِلَى	عَيْنِ الْحِجَابِ بَدْرِ الدُّجَى بِحَرِّ الْعُلَى
ابنِ عَزِيزِ اللَّهِ ذِي الْمَفَاخِرِ	الْمُوسَوِيِّ مُرْتَضَى الْجَزَائِرِيِّ
سَيْطِ السَّلَاطِينِ جَنَابِ الْوَالِي	لَا زَالَ ظِلُّهُ الظَّلِيلَ الْعَالِي»

(اليزدي، ۱۲۵۳، برگ ۱)

نامگذاری این منظومہ توسط ملا علی اکبر زارچی یزدی صورت گرفته است چنان کہ خود ناظم در شرح منظومہ گفته است: «العروۃ الوثقی من بعض الشيوخ له جاءت سمه». سپس در حاشیہ آورده است: «هو أستاذ لي في علم العربية اسمه الآخوند ملا علي أكبر

الزارجي اليزدي و قد قاله في بعض أسفاره إلى كربلاء - علي مشرفها النشاء - حين لاحظ
النسخة»(همانجا)

بخش های منظومه:

منظومه های تعلیمی در سه بخش اصلی مقدمه، متن و خاتمه تنظیم می شوند. در مقدمه، تحمید و معرفی و فایده منظومه و ویژگی های آن آورده می شود. منظومه ها با یاد خداوند و درود بر پیامبر و خاندان وی آغاز شده و به بخش معرفی منظومه وارد می شود. در قسمت معرفی، نام منظومه، ناظم و محتوای منظومه ذکر می شود. البته گاهی اسم منظومه در خاتمه می آید. گاه ناظران در بخش مقدمه بحر عروضی منظومه، عدد ابیات آن را می آورند.

در بخش متن به موضوعات علم و فصول و قواعد آن علم که گاه با مثال همراه است پرداخته می شود.

در خاتمه نیز حمد و سپاس پروردگار و صلوات بر پیامبر آورده می شود. همچنین در خاتمه، آوردن تعداد ابیات منظومه، تاریخ نظم که معمولاً به حساب ابجد است، معمول و شایع است.

منظومه «العروة الوثقی» نیز از این قاعده جدا نبوده و ناظم منظومه خود را طبق شیوه معمول همه منظومه ها سروده است:

۱. مقدمه: مقدمه منظومه ۵ بیت دارد. در بیت اول حمد الهی و درود بر پیامبر و خاندان وی گنجانده شده است. در بیت دوم ناظم به معرفی موضوع منظومه و ویژگی های آن پرداخته و آن را مختصر و مفید و مغنی می داند. در بیت سوم و چهارم به مرتضی بن عزیر موسوی اشاره می کند که منظومه برای وی سروده شده است. در بیت پنجم به نام منظومه و بخش های آن اشاره کرده است.

۲. متن: متن اصلی منظومه شامل مقدمه و هفت باب به شرح زیر است:

الف: مقدمه در تعریف علم نحو و فایده آن، کلام، معرب و مبنی، منصرف و غیر منصرف، اعراب و اقسام آن ۱۲ بیت

ب: باب یکم در مرفوعات شامل ۱۰ بیت

ج: باب دوم در منصوبات ۲۷ بیت

د: باب سوم در مجرورات شامل ۶ بیت

ه: باب چهارم در بیان اوصاف عامل ۹ بیت و توابع شامل ۳ بیت

و: باب پنجم در اسم ۱۱ بیت

ز: باب ششم در فعل ۱۳ بیت

ح: باب هفتم در حروف شامل ۱۰ بیت

در متن اصلی منظومه ناظم بیشتر به بیان قواعد می پردازد و از مثال کمتر استفاده می -

کند مثال‌های ناظم در منظومه از عدد ۱۴ تجاوز نمی‌کند.

۳. خاتمه: خاتمه منظومه ۴ بیت است که به حمد الهی و درود بر پیامبر و خاندان وی

می پردازد. در مصراع پایانی قصیده از عبارت «بهم نظام الدین» استفاده کرده و سپس

در شرح آن را این گونه توضیح می‌دهد: «و بهم نظام الدین ای بیدهم نظمهُ أو معهم العبدُ

الحقیرُ الفقیرُ الملقبُ بنظام الدین عفا الله عنه». بدین ترتیب به نام خود اشاره می‌کند.

ناظم در منظومه به تعداد ابیات و تاریخ نظم منظومه اشاره‌ای نکرده است. فقط در شرح

منظومه تعداد ابیات آن را بیان می‌کند.

نسخه‌های موجود منظومه:

- نسخه‌ای از این منظومه در مکتبه الأوقاف العامة بغداد به شماره ۶۰۹۱ در شش برگ

موجود است. در حواشی آن تعلیقاتی از قاسم آغا الکروی آمده است. در فهرست نسخ

خطی کتابخانه به اشتباه آن را به ابن عزیز موسوی نسبت داده‌اند. (الجبوری، بی تا، ج ۳،

ص ۳۲۷) که صحیح نیست و چنان که گفته شد، ناظم منظومه را به ابن عزیز موسوی

هدیه کرده است.

- نسخه‌ای دیگر در کتابخانه شخصی عبدالوهاب نیازی در بغداد به شماره ۱/۴۵۴۱ در

۱۵ صفحه موجود است. که تعداد ابیات آن ۱۰۵ بیت است و در حاشیه آن شرح ابیات

منظومه آمده است. (النقشبندی، ۲۰۰۲، ص ۵۸)

شرح منظومه:

الف- «نیل المرام و درّ النظام»^۲ - شرح مزجی و منثورى است که توسط ناظم نوشته شده است. برای نمونه بیت اول منظومه این گونه شرح شده است:

« حَمْدًا جَمِيلًا غَيْرَ مَحْدُودٍ وَ شُكْرًا جَزِيلًا غَيْرَ مَعْدُودٍ لِمَنْ أَفَاضَ عَلَيْنَا بِالْجُودِ نِعْمَةَ الْوَجُودِ وَ كَرَمًا مِنْ بَيْنِ عِبَادِهِ بِالْمَصْطَفَى الْمَمَجَّدِ الْمَحْمُودِ وَ صَهْرِهِ عَلِيٍّ وَلِيِّ الْحَقِّ الْمَعْبُودِ وَ وَلَدِهِ وَ أَبْنَائِهِ الْمَعْصُومِينَ خُلَفَاءَ الْمَلِكِ الْوَدُودِ وَ أَهْلِ الْكِرَامِ وَ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ ». این شرح به تاریخ دوشنبه نوزدهم جمادى الأولى سال ۱۲۵۳ق و در دوران جوانی عبدالسمیع نوشته شده است. عبدالسمیع در پایان شرح به این نکته اشاره کرده و می- نویسد: «و إني قد هممتُ على إتمام ذلك الأمر الجليل في أوائل الشباب و لقد فرغت من تأليفها في ضحوة يوم الاثنين التاسع من العشر الثاني من الشهر الخامس من السنة الثالثة من العشر السادس من المائة الثالثة من الألف الثاني حامدًا مصليًا مسلمًا في قصبة كربلاء على مشرفها ألف آلاف تحية و سلام و ثناء» (اليزدي، ۱۲۵۳، برگ ۱۵۵)

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه الله حکیم در نجف اشرف موجود است. این نسخه به خط خود مؤلف است که در ۱۵۵ برگ نوشته شده است و حواشی بسیار مفیدی را از مؤلف در بر دارد. چنان که گذشت این کتاب شرح مزجی و منثور منظومه است. و کلمات منظومه در شرح با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. (زوبین و همکاران، ۱۴۴۳، ص ۹۲۷؛ <http://alshakeemlib.org/WebPages>).

شارح نسخه‌ای از این کتاب را در سال ۱۲۵۴ق، به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی صاحب کتاب «الفصول» هدیه کرده است (الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۲۴، ص ۴۳۸) در اول نسخه مذکور دست خطی از مؤلف مبنی بر اهدای کتاب به ایشان موجود است.

نسخه‌ای دیگر از این کتاب در مدرسه حجازیها در شهر مقدس قم موجود است، که به اشتباه در فهرست نسخ خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی آورده شده است، همچنین به اشتباه گمان شده است که همان نسخه اهدایی مؤلف به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی است. (صدرایی خوبی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۰۸). اما

این نسخه در واقع نسخه اولیه مؤلف است و شاید خط خوردگی‌های فراوان آن این ادعا را تأیید کند، همچنین در اول نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله حکیم دستخط مؤلف مبنی بر اهدای کتاب به شیخ عبدالحسین بن محمدحسین اصفهانی موجود است. در فهرست نسخ خطی مذکور به اشتباه تاریخ تألیف کتاب روز دوشنبه ۱۹ ذی‌القعدة ۱۲۵۳ ذکر شده است. و حال آنکه قسمت پایانی کتاب که در آن تاریخ تألیف کتاب ذکر شده است پاره شده و ناخواناست. این نسخه دارای افتادگی در اول بوده و همچنین در قسمت پایانی کتاب، مؤلف آن را «کشف الرموز» نام نهاده و سپس روی آن خط کشیده و آن را به «البدر النظام و نیل المرام» تغییر داده است. (همانجا). چنانکه مشخص گردید و همچنین مطابق با نسخه خطی کتابخانه آیه الله حکیم نام کتاب «نیل المرام و درّ النظام» بوده است و در تاریخ دوشنبه نوزدهم جمادی الأولى سال ۱۲۵۳ ق نگاشته شده است. (ر.ک: الطهرانی، ۱۳۵۵، ج ۲۴، ص ۴۳۸ و ج ۱۵، ص ۲۵۱؛ همو، ۱۴۰۴، ص ۷۳۴؛ الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۱۵۴ و ۱۵۵)

ب- «شرح مزجی منظوم»- که خود ناظم نوشته است و در حدود ۴۰۰ بیت است. برای مثال بیت اول ارجوزه چنین شرح شده است:

«حَمْدًا جَمِيلاً لَمْ يُحِطْ بِهِ أَحَدٌ وَ لَمْ يَكِدْ يُحْصِيهِ عَدُّ وَ يُعَدُّ
لِمَنْ هَدَانَا مِنْهَجَ الرَّشَادِ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَ السَّدَادِ
كَرَّمَنَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ صَبْرِهِ الْمُؤَيَّدِ الْمُمَجَّدِ
وَ وُلْدِهِ أَهْلَ الْوَفَاءِ وَ الْكَرَمِ وَ صَحْبِهِ الْأَبْرَارِ سَادَاتِ الْأُمَمِ
(الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۱)

این شرح در حاشیه نسخه خطی «نیل المرام و درّ النظام» موجود در کتابخانه آیه الله حکیم به خط خود ناظم، آمده است.

ج- «شرح علی بن عطیفة»- توسط علی بن عطیفة الحسنی الحسینی الکاظمی نوشته شده است. وی از شاگردان ناظم بوده است.^۳

تصحیح منظومه:

- تصحیح ابیات منظومه از روی نسخه‌های خطی زیر صورت پذیرفته است:
- ۱- نسخه‌ای از کتاب «نیل المرام و در النظام» به شماره ۴۱ موجود در کتابخانه عمومی آیه‌الله حکیم در نجف. کلمات منظومه در این نسخه با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. و برای آن علامت «ن» انتخاب شده است.
 - ۲- نسخه‌ای از شرح منظوم منظومه که توسط خود ناظم و در ۴۰۰ بیت سروده شده است. و کلمات منظومه در شرح با خطی بالای آن‌ها مشخص شده است. این شرح در حاشیه نسخه «ن» و به خط خود مؤلف آمده است. و در این نوشته با علامت «ش» مشخص شده است.
 - ۳- نسخه‌ای از شرح علی بن عطیفة موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۵۴۴ که به تاریخ شنبه ۱۸ ربیع الثانی سال ۱۳۲۲ق به خط عبدالحسین بن ملا مهدی طرخورانی تفرشی کتابت شده و در این نوشته با علامت «ط» مشخص شده است.
 - ۴- نسخه‌ای از شرح علی بن عطیفة موجود در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۰۴۷۵، که به تاریخ ۲۹ رجب سال ۱۳۲۲ توسط کاتب فوق الذکر نگاشته شده است. این نسخه را با علامت «م» مشخص کرده‌ایم.
- لازم به ذکر است که در تصحیح ابیات، نسخه‌های «ن» و «ش» که به خط خود ناظم نگاشته شده است اصل قرار داده شده است.
 - همچنین عنوان باب‌ها و مقدمه مطابق نسخه «ن» است و در دیگر نسخه‌ها نیامده است.
 - در مواردی برای انتخاب صورت صحیح کلمات علاوه بر صحت آن از لحاظ معنی، از لحاظ عروضی نیز بررسی شده است تا خللی در وزن رخ ندهد.

منظومة العروة الوثقى النحوية

- (١) حَمْدًا لِمَنْ كَرَّمَنَا بِالْمُصْطَفَى وَ صِيَهْرِهِ وَ وُلْدِهِ أَهْلِ الْوَفَاءِ
 (٢) وَ بَعْدُ ذَا نَظْمٍ كَثِيرُ الْفَائِدَةِ مُخْتَصِرٌ فِي التَّحْوِ يُعْنِي قَاصِدَهُ
 (٣) نَظْمَتُهُ لِقُرَّةِ الْعَيْنِ وَ مَنْ يُعْيِنِي اسْمُهُ إِذَا هَاجَ الْمَوْحِنُ
 (٤) ابْنِ عَزِيزِ الْمُسَوِيِّ مُرْتَضَى جَنَّبَ عَنْهُ رَبُّهُ سُوءَ الْقَضَا
 (٥) وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى لَهُ جَاءَتْ سِمَهُ وَ فِيهِ أَبْوَابٌ تَلِي الْمُقَدَّمَةَ^٨

[المقدمة في علم النحو و الإعراب و أنواعه]

- (٦) التَّحْوُ عِلْمٌ مَنْ رَعَاهُ وَ ارْتَبَطَ لَمْ يُلَفَّ فِي إِعْرَابِهِ الْخَطَاءُ قَطُّ^٩
 (٧) مَوْضُوعُهُ الْكَلَامُ وَ هُوَ مَا اشْتَمَلَ قَوْلًا مُفِيدًا وَ يَعْمَهُ الْجُمْلُ
 (٨) وَ الْكَلِمُ الثَّلَاثُ فِعْلٌ اقْتَرَنَ^{١٠} هَيْئَتُهُ وَضْعًا بِوَاحِدِ الزَّمَنِ
 (٩) وَ الْإِسْمُ مَا سِوَاهُ حَيْثُمَا اسْتَقْلَ مَعْنَى وَ مَاعِدَا هُمَا الْحَرْفُ كـ«هَلْ»
 (١٠) وَ وَاحِدِ الثَّلَاثِ عَدَّ الْكَلِمَةَ وَ الْكَلِمُ الْكُلُّ وَ لِلْكُلِّ سِمَهُ
 (١١) وَ الْإِسْمُ حَيْثُمَا بَدَأَ مُرَكَّبًا لَمْ يَشْبِهِ الْحَرْفَ يَسْمَى الْمُعْرَبًا
 (١٢) وَ ذَاكَ قِسْمَانِ فَمِنْهُ مُنْصَرَفٌ وَ مَا لِشِبْهِ الْفِعْلِ لَيْسَ^{١١} يَنْصَرَفُ
 (١٣) وَ تَمْنَعُ^{١٢} اثْنَتَانِ مِنْ تَسْعِ الْعِلَلِ لِلصَّرْفِ أَوْ مَا كَانَتَيْنِ حَيْثُ حُلُّ
 (١٤) كَالْجَمْعِ وَ التَّائِيثِ وَ الْبَاقِي صِفَةٌ وَ الْعَدْلُ وَ التَّرْكِيبُ ثُمَّ الْمَعْرِفَةُ
 (١٥) وَ عُجْمَةٌ وَ وَزْنُ فِعْلٍ وَ أَلْفٌ زَائِدَةٌ وَ بَعْدَهَا^{١٣} تُونٌ رَدْفٌ
 (١٦) وَ الْأَصْلُ فِي الْإِعْرَابِ لَفْظِي يَتِمُّ بِالْحَرَكَاتِ غَيْرُهُ فَرَعًا عِلْمٌ
 (١٧) وَ هُوَ عَلَى أَرْبَعَةٍ مَهْمَا ظَهَرَ رَفَعٌ وَ نَصَبٌ ثُمَّ جَرْمٌ ثُمَّ جَرٌ

[الباب الأول في المرفوعات]

- (١٨) الْفَاعِلُ اسْمٌ مُسْنَدٌ إِلَيْهِ مَا مِنْ فِعْلٍ أَوْ شِبْهِ عَلَيْهِ قُدَّمَا
 (١٩) وَ مَعَ ظُهُورِهِ فَأَفْرَدٌ مُطْلَقًا مُسْنَدَهُ وَ إِنْ يُقَدَّرُ طَوْبِقًا^{١٤}
 (٢٠) وَ أَثْنُ الْمُسْنَدِ حَيْثُمَا اسْتَرَّ مُؤَنَّثًا وَ رَجَحْنُهُ إِنْ ظَهَرَ
 (٢١) إِلَّا إِذَا كَانَ حَقِيقًا وَ لَا بَيْنَهُمَا يَبِينُ شَيْءٌ^{١٥} فَاصِلًا
 (٢٢) وَ إِنْ^{١٦} يَنْبُ مَنَابَهُ الْمَفْعُولُ بِهِ شَارَكَهُ فِي كُلِّ حُكْمٍ فَاتَّبِعَهُ
 (٢٣) الْمُبْتَدَأُ اسْمٌ جَاءَ بَعْدَهُ الْخَبَرُ مِنْ مُفْرَدٍ أَوْ جُمْلَةٍ أَوْ حَرْفِ جَرٍ
 (٢٤) وَ أَصْلُهُ قَاعِدَةٌ أَنْ يَسْتَبِقَ مَعْرِفَةً عَكَسَ الَّذِي بِهِ لِحْقُ

- ٢٥) وَ حَذَفُ كُلِّ جَائِزٍ إِذَا عُرِفَ وَ مَعَ قِيَامِ قَائِمٍ حَتْمًا حُذِفَ
 ٢٦) وَ «لَا» لِنَفْيِ الْجِنْسِ نَحْوُ «لَا مَفْرٌ» كَ «إِنَّ» بَعْدَ الْإِسْمِ تَرْفَعُ الْخَبَرَ ١٧
 ٢٧) وَ يُرْفَعُ اسْمٌ «كَانَ» وَ اسْمٌ «لَا» وَ «مَا» وَ «كَادَ» وَ الْحُكْمُ كَمَا تَقَدَّمَ

[الباب الثاني في المنصوبات]

- ٢٨) وَ يُنْصَبُ ١٨ الْمَفْعُولُ بِالْفِعْلِ مَتَى جَا مُتَعَدِّيًا كَ «صَادَنِي الْفَتَى»
 ٢٩) وَ الْأَصْلُ أَنْ يُذَكَّرَ تِلْوُ الْفَاعِلِ وَ جَاءَ قَبْلَهُ وَ قَبْلَ الْعَامِلِ ١٩
 ٣٠) إِلَّا إِذَا شَاهَدَتْ مَنَعًا فَاجْتَنِبَ وَ خُلِفَ ذَاكَ الْأَصْلُ حَتْمًا قَدْ يَجِبُ
 ٣١) وَ حَذَفُ مَا يَعْمَلُ ٢٠ فِيهِ لِازْمٍ إِنْ كَانَ فِي الْمَقَامِ شَيْءٌ قَائِمٌ
 ٣٢) وَ ذَا فِي الْأَشْتِغَالِ وَ النَّدَاءِ كَذَلِكَ فِي التَّحْذِيرِ وَ الْإِغْرَاءِ
 ٣٣) وَ الْمَصْدَرُ انْصَبَ مُطْلَقًا إِذَا وَرَدَ مُؤَكَّدًا أَوْ جَا لِتَوْعٍ ٢١ أَوْ عَدَدٌ
 ٣٤) وَ جَاَزَ حَذَفُ مَا لَهُ فِيهِ الْعَمَلُ وَ أَحْذِفْهُ فِي الْأَوَّلِ إِنْ كَانَ الْبَدَلُ
 ٣٥) وَ الْمَصْدَرُ الْمُفْهَمُ إِنْ عَامِلُهُ مُعَلَّلٌ بِهِ فَذَا الْمَفْعُولُ لَهُ ٢٢
 ٣٦) وَ شَرَطُ نَصْبِهِ اتِّحَادُ الْعَامِلِ فِي وَقْتٍ مَا يَحْصُلُ بِلِ فِي الْفَاعِلِ ٢٣
 ٣٧) وَ النَّصْبُ شَائِعٌ إِذَا تَجَرَّدَا مِنْ «ال» كَجَرِّ غَيْرِهِ مَهْمَا ٢٤ بَدَأَ
 ٣٨) وَ انْصَبَ زَمَانًا مُطْلَقًا وَ ٢٥ مَبْهَمًا مِنْ الْمَكَانِ بِالَّذِي تَقَدَّمَ
 ٣٩) وَ جَاَزَ ٢٦ نَصْبُ غَيْرِهِ لِغَارِضٍ لَكِنَّهُ نَصْبٌ يَنْزِعُ الْخَافِضِ
 ٤٠) انْصَبَ ٢٧ وَجُوبًا تَالِيًا لِـ «وَأَوْ» مَعَ بِفِعْلِ أَوْ شَبِيهِ إِذَا ٢٨ الْعَطْفُ اسْتَمَعَ
 ٤١) وَ إِنْ يَجُزُّ فَهُوَ عَلَى النَّصْبِ رَجَحٌ إِلَّا مَعَ الضَّعْفِ عَلَى الْقَوْلِ الْأَصَحِّ
 ٤٢) وَ انْصَبَ بِـ «إِلَّا» تِلْوَهَا إِذَا ٢٩ اتَّصَلَ بِمُوجِبٍ وَ لَا تُجَوِّزُ الْبَدَلُ
 ٤٣) وَ غَيْرُهُ مِنْ دُونَ تَفْرِيعٍ وَقَعَ فِيهِ كِلَا الْأَمْرَيْنِ إِلَّا مَا انْقَطَعَ
 ٤٤) فَالْتَّصَبُ إِلَّا عَنْ تَمِيمٍ اسْتَحَقَّ وَ مَعَهُ دُعَاهُ بِاقْتِضَاءِ مَا سَبَقَ
 ٤٥) وَ جُرَّ تِلْوُ «الْغَيْرِ» وَ الَّذِي مَضَى لَهُ كَ «جَاءَ الْقَوْمُ غَيْرَ الْمُرْتَضَى»
 ٤٦) وَ مِثْلُهُ «سَوَى» بِقَصْرِ وَ بِمَدِّ كَذَلِكَ «حَاشَا» وَ بِهِ النَّصْبُ وَرَدَ
 ٤٧) الْحَالُ قَيْدٌ زَائِدٌ تَجِيءُ بِهِ لِهَيْئَةِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ بِهِ
 ٤٨) وَ انْصَبَهُ مَنكُورًا وَ أَوَّلُ مَا نَدَّرَ وَ حُكْمُهُ فِي غَيْرِهِ حُكْمُ الْخَبَرِ
 ٤٩) فَانْصَبَ مُنْكَرًا تَمِيزًا وَ هُوَ مَا بَيْنَ مَعْنَى اسْمٍ يَكُونُ مَبْهَمًا
 ٥٠) وَ الْمُفْرَدُ الْمَقْدَارُ مِنْ غَيْرِ الْعَدَدِ يَجُوزُ جَرُّهُ وَ مِنْهُ قَدْ وَرَدَ

- (٥١) لَكَنَّ ذَا مِنْ الثَّلَاثِ لِلْعَشْرِ بِعَكْسِ قَيْسِ حَالِ الْأُنْثَى وَ الذَّكْرِ
 (٥٢) كَذَاكَ تَلَوُ العَشْرَاتِ مَا بَدَا جَرُّ الَّذِي مَيَّزُهُ وَ أَفْرَدَا
 (٥٣) وَ يُنْصَبُ اسْمُ «إِنَّ» وَ اسْمُ «لَا» مَتَى أَتَى لِنْفِي الْجِنْسِ نَحْوُ «لَا فَتَى»
 (٥٤) كَذَاكَ مَا يَنْصِبُهُ «كَانَ» وَ «مَا» وَ «كَادَ» عِنْدَ غَيْرِ مَنْ تَقَدَّمَ^{٣٠}

[الباب الثالث في المجرورات]

- (٥٥) الْجَرُّ قَدْ يَكُونُ بِالِاسْمِ وَ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»^{٣١}
 (٥٦) وَ الوَصْفُ إِنْ يُصَفُّ إِلَى المَعْمُولِ مِنْ فَاعِلٍ لَهُ أَوْ المَفْعُولِ
 (٥٧) فَسَمَّهَا الإِضَافَةَ اللَّفْظِيَّةَ وَ سَمَّ غَيْرَهَا بِمَعْنَوِيَّةِ
 (٥٨) وَ اسْمٌ إِلَى اسْمٍ فِي الكَلَامِ لَمْ يُصَفِّ إِلَّا إِذَا مَعْنَاهُ مَعْنَاهُ اخْتَلَفَ^{٣٢}
 (٥٩) فَامْنَعُ إِضَافَةَ اسْمٍ فَاعِلٍ إِلَى فاعله^{٣٣} إِلَّا إِذَا تَحَوَّلَا
 (٦٠) كَذَاكَ مَا يُشْبِهُهُ وَ فِي اللَّقْبِ ذَاكَ مَعَ التَّأْوِيلِ لِلِاسْمِ وَجِبَ

[الباب الرابع في الصفات العاملة عمل الفعل و التوابع]

- (٦١) وَ يَعْمَلُ الأَوْصَافُ فِي المَعْمُولِ مِنْ اسْمِي الفَاعِلِ وَ المَفْعُولِ
 (٦٢) إِنْ لَمْ تَكُنْ تُرِيدُ مِنْهُمَا المُضَيَّيَّ فَمَا لَهُ، إِعْمَالُهُ لَأَ نَرْتَضِي^{٣٤}
 (٦٣) إِلَّا إِذَا وَجَدْتَهُ وَصلاً لـ«أَل» فَمُطْلَقًا حِينَئِذٍ لَهُ العَمَلُ
 (٦٤) كَذَاكَ وَصَفٌ جَاءَ كـ«الفَعَالِ» وَزناً أَوْ «الفَعُولِ» وَ «المِفْعَالِ»
 (٦٥) وَ يَعْمَلُ المَصْدَرُ كالفِعْلِ مَتَى لَمْ يَكُ مَفْعُولًا مُؤَكَّدًا أَتَى
 (٦٦) وَ لَأَ تَقْدَمُ مَا لَهُ فِيهِ العَمَلُ لِأَنَّ أَنْ وَ الفِعْلَ^{٣٥} فِي المَحَلِّ حَلَّ
 (٦٧) وَ أَفْعَلُ التَّفْضِيلِ مَا دَلَّ عَلَى كَوْنِ الَّذِي ذَا وَصْفُهُ مُفَضَّلًا
 (٦٨) وَ يَلْزَمُ الإِفْرَادَ وَ التَّذْكَيرَ إِنْ يُصَفِّ إِلَى المَكْثُورِ^{٣٦} أَوْ تَمَّ^{٣٧} بِـ«مِنْ»
 (٦٩) وَ لَيْسَ لِلضَّعْفِ يَصِيرُ^{٣٨} عَامِلًا إِلَّا لِمُضْمَرٍ يَكُونُ فاعِلًا^{٣٩}
 (٧٠) يَتَّبِعُ الإِسْمَ التَّعْتُ وَ هُوَ مَا التَّحَقَّقَ لِكَشْفِ مَعْنَى اسْمٍ عَلَيْهِ قَدْ سَبَقَ
 (٧١) وَ هُوَ لَهُ عُرْفًا وَ نُكْرًا ذُو وَفَا وَ فِي سِوَى الإِعْرَابِ^{٤٠} بِالفِعْلِ ائْتَفَى
 (٧٢) كَذَلِكَ التَّوَكِيدُ وَ العَطْفُ البَدَلُ وَ الكُلُّ فِي الإِعْرَابِ يَتَّبِعُ الأوَّلَ

[الباب الخامس في الأسماء]

- (٧٣) الإِسْمُ قِسْمَانِ فَمَا دَلَّ عَلَى مُعَيَّنٍ مَعْرِفَةً نَحْوُ «الأوَّلَى»
 (٧٤) فَمُضْمَرٌ دَلَّ عَلَى التَّكْلُمِ أَوْ الخِطَابِ أَوْ عَلَى مُقَدِّمٍ^{٤١}

- (٧٥) وَ عَوْدُ مُضْمِرٍ عَلَى مَا بَعْدَهُ
 (٧٦) فِي الثَّنَانِ وَالْقِصَّةِ رَبٌّ^{٢٤} وَ الْبَدَلُ
 (٧٧) وَ الْأَصْلُ فِي الضَّمِيرِ الْإِتِّصَالُ
 (٧٨) وَ مَا عَلَى مُعَيَّنٍ ذَلٌّ وَ لَمْ
 (٧٩) وَ اسْمُ إِشَارَةٍ كَـ«ذَا» وَ«ذِي» وَ«تِي»
 (٨٠) وَ جُمْلَةُ الْإِنشَاءِ لَمْ تَأْتِ صِلَهُ
 (٨١) كَذَلِكَ ذُو اللَّامِ بِقِسْمِيهِ وَ إِنْ
 (٨٢) وَ كُلُّ مَا يُضَافُ مِنْ غَيْرِ صِفَةٍ^{٤٤}
 (٨٣) وَ غَيْرِ مَا ذَلٌّ عَلَى شَيْءٍ ذَكَرَ

[الباب السادس في الأفعال]

- (٨٤) أَلْفَعْلُ إِنْ ذَلَّ عَلَى وَقْتِ مَضَى
 (٨٥) وَ الْأَمْرُ مَا ذَلَّ عَلَى الْحَالِ كَـ«عَدَّ»
 (٨٦) وَ أَصْلُهُ الْبِنَاءُ وَ الْمُضَارِعُ
 (٨٧) فَإِنْ خَلَا عَنِ^{٤٦} نَاصِبٍ وَ مَا جَزَمَ
 (٨٨) وَ نَصِبُهُ بِـ«أَنْ» وَ«لَنْ»، «كَيْ» وَ«إِذَنْ»
 (٨٩) أَلْفَعْلُ قِسْمَانِ فَمِنْهُ مَا لَزِمَ
 (٩٠) وَ الْمُتَعَدِّي نَاصِبٌ لِوَاحِدٍ
 (٩١) وَ الثَّانِي ثَانِيهِ إِذَا مَا اتَّحَدَا
 (٩٢) وَ غَيْرُهُ كَـ«دَرِهَمًا أَعْطَى^{٤٩} النَّسَاءُ»
 (٩٣) وَ لِإِثْنِي الثَّانِي الَّذِي قَدْ ثَبَتَا
 (٩٤) إِرْفَعُ^{٥٠} بِـ«نَعَمْ» وَبِـ«سَاءَ»، «بَنَسَ»^{٥١} ذَا
 (٩٥) وَ بَعْدَهَا اذْكَرُ مَا بِمَدْحٍ أَوْ بِدَمٍ
 (٩٦) يَنْطِقُ بِالْفَعْلَيْنِ مِنْ تَعَجُّبًا
- (٩٧) الْحَرْفُ أَقْسَامٌ فَمِنْهَا مَا أَتَى
 (٩٨) وَ«رُبَّ» وَ«اللَّامُ» وَ«فِي»، «حَتَّى»، «إِلَى»
 (٩٩) «عَلَى» «لَعَلَّ» عَنِ بَنِي عُقَيْلٍ

[الباب السابع في الحروف]

- لِلجَرِّ وَ هُوَ «مِنْ» وَ«عَنْ» وَ«بِا» وَ«تَا»
 وَ الْوَاوُ وَ الْكَافُ، عَدَا، حَاشَا، خَلَا
 «مُنْدُ»، «مُنْدُ»، «كَيْ»، «مَتَى»^{٥٤} لَدَى هُذَيْلٍ

- ۱۰۰) وَ بَعْضُهَا نَاسِخٌ جُزْئِيٌّ ابْتِدَاءً
 ۱۰۱) وَ بَعْضُهَا حُرُوفٌ جَزْمٌ وَ مَضْيٌ
 ۱۰۲) حُرُوفُ الْإِيجَابِ «بَلَى» «نَعَمْ» «أَجَلٌ»
 ۱۰۳) وَ جَاءَ لِلتَّفْسِيرِ حُرُوفَانِ^{۵۷} فَ «أَيُّ»
 ۱۰۴) وَ مَصْدَرِيُّ الْحَرْفِ «كَي» وَ «لَوْ» وَ «مَا»
 ۱۰۵) وَ مَا لِتَحْضِيضٍ^{۵۸} فَ «أَلَا» وَ «أَلَا»
 ۱۰۶) لِلرَّدِّ «كَلَّا» وَ لِلِاسْتِفْهَامِ «هَلْ»
 ۱۰۷) ذَا آخِرِ الْكَلَامِ فِي الْمَقَامِ
 ۱۰۸) ثُمَّ الَّتِي نَأَتْ إِلَى الْقَبُولِ
 ۱۰۹) مُحَمَّدٍ مُنْقِدٍ مَنْ أَطَاعَهُ
 ۱۱۰) وَ آلِهِ مَعَالِمِ الْيَقِينِ
 مِنْ مُشْبِهٍ^{۵۵} الْفِعْلِ وَ ذَاكَ قَدْ بَدَأَ
 إِشَارَةً لِذِكْرِهَا يَا مُرْتَضَى^{۵۶}
 «جَيْرٍ» وَ «إِي» وَ «إِنَّ» وَ الْأَخِيرُ قُلِ
 وَ «أَنَّ» لِمَعْنَى الْقَوْلِ فَاحْفَظْ يَا بُنَيَّ
 وَ «أَنَّ» «أَنَّ» وَ حَرْفُ تَنْبِيهِ «أَمَّا»
 «لَوْلَا» وَ «لَوْمًا» وَ أَتَى «هَلَّا» «هَلَّا»
 وَ «هَمْزَةً» وَ «قَدْ» لِتَقْرِيْبِ الْأَمَلِ^{۵۹}
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى التَّمَامِ^{۶۰}
 مِنَ التَّحِيَّاتِ عَلَى الرَّسُولِ
 وَ صَاحِبِ الْكُوْتَرِ وَ الشَّفَاعَةِ
 أَيْمَةً بِهِمْ نِظَامُ الدِّينِ

کلام آخر:

منظومه «العروة الوثقی» به منظور تعلیم زبان عربی و تسهیل قواعد آن، نمونه بارزی است که توجه ایرانیان و خدماتشان به زبان عربی را به خوبی نشان می‌دهد. تلاش ناظم را می‌توان در شمار نظم و ادبیات تعلیمی دانست. نمونه‌هایی از این گونه نظم در علوم مختلف، در کتب خطی کتابخانه‌ها به وفور یافت می‌شود که تصحیح و تحقیق آن، تلاش‌های علمی ایرانیان را بیش از پیش می‌نمایاند.

پی نوشت‌ها:

۱. این کتاب به راهنمایی مرحوم دکتر امیر محمود انوار توسط خانم لبانه پرهیزکار به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تصحیح شده است. (رضایی هفتادری و اسماعیلی کرکشه، ۱۳۹۰، ص ۳۰).
۲. تصحیح و بررسی این کتاب عنوان رساله دکتری نگارنده اول مقاله، در دانشگاه تهران به راهنمایی آقای دکتر غلامعباس رضایی هفتادری است.
۳. این کتاب توسط نگارنده اول مقاله، به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمایی آقایان دکتر دیباجی و دکتر رضایی هفتادری، در دانشگاه تهران تصحیح شده است.

۴. مصراع دوم بیت در نسخه کتابخانه اوقاف بغداد به این صورت آمده است: «و آله و صحبه أهل الوفا» (الجبوري، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۷). متن مطابق نسخه‌های «ن»، «ش»، «م» و «ط» و همچنین نسخه موجود در کتابخانه عبدالوهاب نیازي بغداد (النقشبندی، ۲۰۰۲، ص ۵۸) و کتاب الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۳، ص ۳۶۹ و ج ۱۵، ص ۲۵۱) است.
۵. «ط»: مختص فی النحو. «م»: مختص بالنحو. متن مطابق «ش» و «ن» و نسخه کتابخانه عبدالوهاب نیازي (النقشبندی، ۲۰۰۲، ص ۵۸) و الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۵، ص ۲۵۱) می‌باشد.
۶. الذریعة (الطهراني، ۱۳۵۵، ج ۱۵، ص ۲۵۱): تغنی. که با توجه به مذکر بودن «ذا» و نظم و مختصر و ضمیر «قاصده» صحیح نیست.
۷. در حاشیه «ن» آمده است: «و السمراد بالموصول فی قوله: و من یغیثی اسمه، أمير المؤمنین علي ابن ابي طالب فإن اسمه علي و هو بالحساب مائة و عشرة و هو یوافق عدد آیات الكتاب و لقبه السمرتنی و هو یوافق اسم من أَلَّفَ الكتاب لأجله».
۸. مرجع ضمیر در «له» و «فیه» نظم است.
۹. «ن»: فی إعرابه قطُّ الغلط. و در حاشیه آمده است: «و فی بعض نسخ المتن کذا: لم یلف فی إعرابه الخطاء قط» و کلاهما حسن. متن مطابق «ش»، «م» و «ط»
۱۰. «م» و «ط»: ما اقترن
۱۱. «م» و «ط»: فلیس
۱۲. «م» و «ط»: یمنع
۱۳. «م» و «ط»: زائدة من بعدها. «ش»: زائدة و مثلها نونٌ ردِّف.
۱۴. «م» و «ط»: طابقا
۱۵. «م»: شبئاً.
۱۶. «ن»: فإن
۱۷. «ش»: تنصب الخبر
۱۸. «م» و «ط»: ینتصب المفعول
۱۹. «م» و «ط»: و قبل الفاعل
۲۰. «ط»: یُعَلِّمُ
۲۱. «ش»: لنفی
۲۲. در نسخه «م» و «ط» این بیت و دو بیت بعد از آن، پس از بیت ۳۹ آمده است.
۲۳. «م» و «ط»: بل و الفاعل
۲۴. «م» و «ط»: إذا

۲۵. «م» و «ط»: أو
۲۶. «م» و «ط»: جاء
۲۷. «م» و «ط»: و انصب
۲۸. «ط»: إذ
۲۹. «م»: إذ
۳۰. «عند غیر من تقدما» یعنی نحویان متأخر، چرا کہ نحویان متقدم «کاد» و اخوات آن را جزء نواسخ مبتدا و خبر نمی دانند. (ر. ک: الیزدی، ۱۲۵۳، برگ ۳۴ و ۷۳)
۳۱. «م»: أَلَجَرُّ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ وَقَدْ يَكُونُ بِالِاسْمِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»
- «ط»: أَلَجَرُّ قَدْ يَكُونُ بِالْحَرْفِ وَقَدْ يَكُونُ فِي الْاسْمِ كـ«فِي عَيْنِي رَمَدٌ»
۳۲. یعنی معنای مضاف با معنای مضاف إليه مختلف باشد. (ر. ک: همان، برگ ۸۲)
۳۳. «م» و «ط»: مرفوعه.
۳۴. «م» و «ط»: لا ترتضى
۳۵. «م»: لَأَنَّ أَنْ يَفْعَلَ . «ط»: لَأَنَّ أَنْ يَفْعَلَ
۳۶. «م»: إلى النُّكُور
۳۷. «م» و «ط»: يَتِيم
۳۸. «م» و «ط»: يَكُونُ
۳۹. «ط»: عَامِلًا
۴۰. «م» و «ط»: سوى ذلك
۴۱. «م» و «ط»: تَقَدُّمٌ
۴۲. «م» و «ط»: وَ رَبُّ. متن مطابق «ن» و «ش» و «غایة المسؤول و نهاية المأمول».
۴۳. ناظم در «غایة المسؤول و نهاية المأمول» این دو بیت را از شخص دیگر می داند و می نویسد: «فاعلم أنه يجب تقدم مفسر ضمير الغائب لفظاً أو معنى أو حكماً إلا في مواضع نظمها بعضهم في بيت و هو: وَ عَوْدُ مُضْمَرٍ عَلَى مَا بَعْدَهُ
- يَجُوزُ فِي التَّدْوِيرِ فَاحْفَظْ عَدَّهُ
- فِي الشَّانِ وَالْقِصَّةِ، رَبُّ وَ الْبَدَلِ
- نَعْمَ وَ بِنَسِ وَ تَنَازُعِ الْعَمَلِ»
- (الیزدی، ۱۲۵۲، برگ ۵۵)
۴۴. «م» و «ط»: الصفة
۴۵. «م» و «ط»: يُسَمَّى المعرفة
۴۶. «م» و «ط»: مِنْ
۴۷. «م» و «ط»: أَوْ

۴۸. «ط»: الاثنین
۴۹. «م» و «ط»: أُعْطِي
۵۰. «م» و «ط»: و ارفع
۵۱. «ش»: ارفع بنعم بئس ساء «م» و «ط»: بنعم ساء بئس
۵۲. «م» و «ط»: لفظاً ذا
۵۳. «م»: أفعال بعد ما و أفعال بعد ما «ط»: أفعال بعد ما و أفعال بعد با
۵۴. حرف جر «متى» در «م» و «ط» نیامده است.
۵۵. «م» و «ط»: شبه.
۵۶. «ط»: ما يرتضى
۵۷. «ط»: حافا
۵۸. «م» و «ط»: و التحضيض به جای «و ما لتحضيض»
۵۹. «م» و «ط»: الأجل
۶۰. این بیت و سه بیت بعد از آن در نسخه «م» و «ط» نیامده است.

فهرست منابع

الف- منابع چاپی:

- اشكوری، جعفر، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان، قم: مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- الأمین، السيد محسن، أعيان الشيعة، تحقيق حسن الأمين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- انوار، عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، تهران: چاپ میهن، ۱۳۵۱ش.
- الجبوري، عبدالله، فهرس المخطوطات العربية في مكتبة الأوقاف العامة في بغداد، بغداد: مطبعة العاني حافظيان بابلي، ابوالفضل، نسخه پژوهی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- حافظيان بابلي، ابوالفضل و صدرایی خویی، علی، فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- الحسيني، أحمد، تراجم الرجال، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۱۴ق.
- حسيني، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۴ش.
- دانش پژوه، محمد تقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.

دانش پژوه، محمدتقی و منزوی، علینقی، فهرست کتابخانه سپهسالار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
درایتی، مصطفی، فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش.

رضایی هفتادری، غلامعباس و اسماعیلی کرکشه، رقیه، کتابنامه پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات عربی در سراسر کشور (۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

زوین، محمد و العوادی، مشکور و عبدالعال، حسین و المحنک، سید هاشم، معجم المخطوطات النجفیة، قم: مکتبه سماحة آية الله المرعشی، الطبعة الأولى، ۴۳۳ق.

صدرايي خويي، علی و حافیان بابلی، ابوالفضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آية الله گلپایگانی، به کوشش و ویرایش مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.

الطهراني، آغابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، النجف: مطبعة الغري، ۱۳۵۵ق.

_____ طبقات أعلام الشيعة: الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، مشهد: دار المرتضى للنشر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.

عرفانیان، غلامعلی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۲، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.

کاظمینی، میرزا محمد، دانشنامه مشاهیر یزد، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانة الرسول، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.

النقشبندی، أسامة ناصر، فهرس مخطوطات مكتبة عبدالوهاب نیازی «بغداد»، القاهرة: معهد المخطوطات العربية، ۲۰۰۲م.

ب- نسخ خطی:

الكاظمي، علي بن عطيفة، شرح المنظومة النحوية، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۴۴، ۱۳۲۲ق.

_____ شرح العروة الوثقی، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، شماره ۱۰۴۷۵، ۱۳۲۲ق.

اليزدي، عبدالسمیع، غاية المسؤل ونهاية المأمول، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۹۱۲، ۱۲۵۲ق.

_____ نيل المرام و ذرّ النظام، النجف: مکتبه الحكيم العامة، الرقم العام ۴۱، ۱۲۵۳ق.

ج- سایت: